روزنامه شرق

هنر

احمد محمود؛ داستان یک تبعید، همزاد کُنار — صفحه ۱۰

چمدانم، خانه من است — صفحه ۱۱

دو روح پودموس — صفحه ۱۲

عکس: احمدرضا شجاعی

گفت‌وگو با آزیتا حاجیان بازیگر «کیمیا»

احساس گناه نمی‌کنم

بهناز شیربانی

برای بازیگری مثل آزیتا حاجیان، حضور در صحنه تئاتر، کارگردانی و بازیگری نمایش مفهوم دیگری دارد. شاید به این دلیل که وقتی از او درباره دوری‌اش از تئاتر می‌پرسیم، با تعصبی خاص از آن حرف می‌زند و بعد از سال‌ها دوری از صحنه تئاتر عشق به این حوزه در کلامش موج می‌زند و با تمام علاقه‌اش، میلی به بازگشت به تئاتر را ندارد. به همان اندازه هم سینما و تلویزیون برای او مفهوم و معنای جداگانه‌ای دارد. مخاطب برای آزیتا حاجیان جایگاه ویژه‌ای دارد. تأثیر هم‌کلامی مخاطبانی که کارهایش را دنبال می‌کنند در پذیرش بازی در سریال «کیمیا» بی‌تأثیر نبوده است؛ سریالی که این شب‌ها از شبکه دو سیما در حال پخش است و زمان نسبتا زیادی صرف ساخت این مجموعه شده است. با آزیتا حاجیان درباره حضورش در سریال «کیمیا» و شرایط این‌روزهایش صحبت کردیم.

نکته‌ای که پیش از این در صحبت‌های شما درباره مجموعه «کیمیا» توجهم را جلب کرد، جذاب‌بودن فیلم‌نامه این مجموعه برای شماست، علاوه بر اینکه بارها تأکید کرده‌اید که داستان این سریال و اتفاقات جاری در آن برای شما غریبه نیست و شما در این مقطع تاریخی زندگی کرده‌اید، به نظر شما «کیمیا» تا چه اندازه به حوادث و اتفاقاتی تاریخی وفادار مانده و تا چه حد در به‌تصویرکشیدن هرآنچه مخاطب از این مقطع تاریخی انتظار دارد، موفق بوده است؟

به‌هرحال اگر قرار بود این سریال تمامی اتفاقات سیاسی آن دوران را در قالب خودش روایت کند، مخاطبان دیگر نمی‌توانستند این سریال را به این شکل ببینند و ماهیتش تغییر می‌کرد. بنابراین ساخت سریالی سیاسی هدف این مجموعه نبود. «کیمیا» یک سریال خانوادگی است. خانواده‌ها در آن محور روایت قصه هستند. همین خانواده‌ها در این قصه به جریانات اجتماعی - سیاسی مبتلا می‌شوند، که باعث می‌شود مخاطب از این جریانات نیز باخبر شود.

از طرح پرسش اول، قصد داشتم به این موضوع برسم که تا به امروز، در سریال‌هایی ایفای نقش کرده‌اید که هرکدام مخاطب خاص خود را داشته است، مخصوصا به دو سریال «تا ثریا» و «ساعت شنی» اشاره می‌کنم که نقش‌های بسیار متفاوتی را در آنها ایفا کردید. اما خاطرم هست که بعد از بازی در سریال «تا ثریا» از ممیزی‌های بیش‌ازحد تلویزیون به این سریال گله‌مند بودید و تصور می‌کردم برای شما حضور در تلویزیون با این شرایط دشوار باشد و شاید تا مدت‌ها دیگر سراغی از این مدیوم نگیرید... .

یکی از دلایلی که باعث شد باز به پیشنهاد دوستان برای بازی در سریال رضایت بدهم، خواست مردم بود. همیشه این اتفاق برای ما می‌افتد که در کوچه‌وخیابان مردم بی‌واسطه نظراتشان را با ما در میان می‌گذارند. من یا همکارانم در جریان این گفت‌وگوها با مردم، خواه‌ناخواه تحت‌تاثیر قرار می‌گیریم. لطف مردم همیشه شامل حال ما می‌شود و گاهی علت کم‌کاربودنمان را جویا می‌شوند. تلویزیون مدیومی متفاوت با سینماست. طیف وسیع‌تری از مردم تلویزیون را دنبال می‌کنند و مثل سینما نیست که مردم فیلمی را برای تماشا انتخاب کنند، هزینه کنند و در یک روز مشخص به سینما بروند. تلویزیون وسیله ارتباط جمعی وسیع‌تر و عام‌تری است که با بدنه مردم سروکار دارد. بعد از سریال «دبیرستان خضرا»، دوره‌ای با تلویزیون قهر بودم و مدتی برای تلویزیون کار نکردم و بعد از مدتی برگشتم. بعد از بازی در سریال «تا ثریا» فیلم‌نامه‌ای که بتواند مرا جذب کند، نخوانده بودم و «کیمیا» این ویژگی را داشت که مرا سر ذوق بیاورد و پیشنهاد بازی در این مجموعه را بپذیرم. زمانی که فیلم‌نامه «کیمیا» را خواندم، بیشتر ساختار آن پرداخت شده بود و قرار بود دیالوگ‌ها به‌مرور نوشته شوند. از نظر من این سریال ساختاری قوی داشت و به‌لحاظ تکنیکی با قدرت و مستحکم بود. درواقع با این سریال من بار دیگر مقطعی از زندگی‌ام را زندگی کردم. زمانی که ۲۰سالم بود، جای خودم زندگی کردم و حالا در این سریال جای مادرهای آن نسل زندگی کرده‌ام و از این نظر برایم بسیار جذاب بود.

با این توضیحات، در انتخاب‌های شما گاهی میل مردم از خواست شما پیشی می‌گیرد و حتی ممکن است نتیجه این انتخاب‌ها آن‌طور که تصور می‌کردید نشود... .

کارهایی که تا به امروز انجام داده‌ام، عمدتا با مردم در ارتباط بوده است. شاید یک یا دو فیلم یا سریال آن‌قدرکه بایدوشاید در ساخت نتوانست حق مطلب را ادا کند. اما سریال‌هایی مثل «آپارتمان»، «آوای فاخته»، «سفر سبز»، «ساعت شنی»، «دبیرستان خضرا»، «تا ثریا» و... با طیف وسیعی از مردم ارتباط گرفت. همان‌طور که اشاره کردم، تلویزیون با بدنه مردم ارتباط تنگاتنگی دارد و مردم از اینکه رنج‌ها یا دغدغه‌هایشان را در رفتار شخصیت یا قصه در سریال یا مجموعه‌ای ببینند احساس خوبی دارند. من به‌عنوان یک بازیگر یا یک فردی که کنار دیگر هم‌وطنانم زندگی می‌کنم، دلم می‌لرزد و دوست دارم برای آن قشری از جامعه که انگار هیچ‌جا به حساب نمی‌آیند، کاری انجام بدهم.

بخش دیگری از زندگی هنری شما بازی و کارگردانی تئاتر است. ما از سال ۸۴ به بعد دیگر شما را در صحنه تئاتر ندیدیم. خاطرم هست حتی زمانی از ایده‌هایی برای کارگردانی تئاتر صحبت می‌کردید که هیچ‌وقت عملی نشدند. چه اتفاقی افتاد که تئاتر را کنار گذاشتید؟

کارگردانی در تئاتر هفت‌خان رستم است! وقتی در تئاتر کار می‌کنید، مدام فکر می‌کنید شاید الان کار اشتباهی انجام می‌دهم و سرزنشم می‌کنند! باور کنید این احساس تمام مدت با شماست. حتی گاهی در شب آخر تمرین، بعد از شش‌ماه کار، دوباره اصلاحیه می‌دهند. حقیقتش این است که من دیگر حوصله بودن در تئاتر را ندارم. انرژی جنگیدن برای ارائه یک کار فرهنگی در قالب یک کار نمایشی دیگر در توان من نیست. ممکن است زمانی به انجام کاری در این حوزه میل پیدا کنم که بابت کارم تشویق شوم؛ اتفاقی که به‌ندرت در تئاتر می‌افتد! متأسفم که بعد از سال‌ها کار در تئاتر باید این را بگویم که در این حوزه با برخوردهایی که صورت می‌گیرد مدام احساس گناهکاربودن می‌کنید. من در این سن‌وسال احساس گناهکاربودن را دوست ندارم، درحالی‌که یک کار فرهنگی مثبت برای جامعه‌ام انجام می‌دهم.

فکر می‌کردم به دلیل اینکه شرایط مالی تلویزیون و سینما کمی از تئاتر بسامان‌تر است، از تئاتر فاصله گرفتید.

وضع ناامنی مالی مطلقا وجود نداشت. بحث همان بود، توان جنگیدن برای مسائل مختلف را نداشتم. خداراشکر جوان‌های حوزه تئاتر هنوز این روحیه را دارند و برای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند، طبعا وقتی جوان‌تر بودم از پس این مشکلات برمی‌آمدم و برای رسیدن به خواسته‌هایم تمام تلاشم را می‌کردم. من آن‌قدر در زندگی‌ام جنگیده‌ام که الان به استراحت نیاز دارم. وقتی از سینما یا تلویزیون صحبت می‌کنیم موضوع فرق می‌کند در این دو مدیوم به‌عنوان بازیگر، مسئولیت همه‌چیز با شما نیست. وقتی من در مقام کارگردان تئاتر هستم باید برای همه‌چیز جوابی داشته باشم و مسئولیت تمام امور با من است.

من در سینما یا تلویزیون در مقام بازیگر یا چینش بازیگران مسئولیت مشخصی دارم. به‌عنوان بازیگر تنها مسئولیتم این است که یک سناریو خوب را انتخاب کنم و به نحو احسن نقشم را ارائه بدهم. دیگر مسئول توقیف‌شدن یا نشدن و مسائل این‌چنینی فیلم نیستم. اما از سوی دیگر ضربات عاطفی عجیبی هم وجود دارد. مثل اینکه من بعد از سریال «تا ثریا» که چند قسمت از بازی تمام بچه‌ها و کارگردانی آقای سیروس مقدم را حذف کردند، به مدت دوماه افسردگی گرفتم. دکتر رفتم و دارو مصرف کردم. فقط به این دلیل که صحنه‌هایی که زحمت زیادی برای آنها کشیده شده بود حذف شدند. سناریوی این سریال بسیار جذاب نوشته شده بود و بعد از حذف این صحنه‌ها تبدیل به شیر بی‌دم و یال و کوپال شد. گاهی تعجب می‌کنم با تمام نظارتی که برای ساخت یک سریال انجام می‌شود و از فیلترهای مختلفی تا رسیدن به آنتن طی می‌شود، چرا با سرمایه اقتصادی و انسانی این مملکت چنین رفتاری می‌شود؟

البته نکته‌ای که شما به آن اشاره می‌کنید تا حد زیادی باعث شده بسیاری دیگر مایل به همکاری با رسانه ملی نباشند. غیر از مقاطعی که بین کارهای شما در تلویزیون فاصله‌هایی ایجاد شد و گاهی این دلگیری‌ها مقطعی بود، هیچ‌وقت به عدم همکاری با این رسانه فکر کردید؟

البته قبل از پاسخ به پرسش شما این را بگویم که احساس می‌کنم رفتار تلویزیون کمی با گذشته فرق کرده است و این اواخر، با ذهن روشن‌تری به کارها نگاه می‌شود یا شاید کمی انعطاف بیشتری از جانب مدیران و برنامه‌سازان لحاظ می‌شود. شاید رقابت با سریال‌های ماهواره‌ای این حس را بیشتر کرده است که درحال‌حاضر مدیران در مقام تصمیم‌گیری با اشراف بیشتری مسائل را بررسی می‌کنند؛ اینکه سعی می‌کنند مسئله را ببینند و صورت‌مسئله را چندین‌بار بخوانند و تصمیم بگیرند ممیزی‌ها را کمتر کنند و تماشاچی ازدست‌رفته تلویزیون را برگردانند. شاید مدیران تلویزیون الان به این موضوع که تماشاچی ایرانی چه می‌خواهد؟ بیشتر فکر می‌کنند. در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که من هیچ‌وقت به اینکه کار و شغلم و کشورم را ترک کنم، فکر نکرده‌ام. من بازیگرم، چینش بازیگران را در فیلم‌ها و سریال‌ها انجام می‌دهم و بازیگر و کارگردان تئاتر هستم. هربار حضورم

> **متأسفم که بعد از سال‌ها کار در تئاتر باید این را بگویم که در این حوزه با برخوردهایی که صورت می‌گیرد مدام احساس گناهکاربودن می‌کنید. من در این سن‌وسال احساس گناهکاربودن را دوست ندارم، درحالی‌که یک کار فرهنگی مثبت برای جامعه‌ام انجام می‌دهم.**

در یکی از این حوزه‌ها قوی‌تر شده است، اما کماکان ادامه دارد. این‌طور نیست که راهم بسته شود. به‌هرحال سی‌واندی‌سال است که سرسختی در انجام کارها، کمی ما را پوست‌کلفت کرده است. اما در زمینه تئاتر که عشقم است، حساسیتم بالاست و همچنان معتقدم خودم را به شرایطی دچار نمی‌کنم که آسیب‌های بیشتری ببینم.

برگردیم به سریال «کیمیا». یکی از نکاتی که برای مردم جذاب است، همبازی‌شدن شما و مهراوه شریفی‌نیا بود. این همکاری سابق بر این هم در مجموعه‌هایی اتفاق افتاده است. اما ارتباط عاطفی شما به‌واسطه رابطه مادر و فرزندی در این سریال طبعا باورپذیرتر است. یکی از اتفاقاتی که معمولا برای افرادی که خانواده‌هایشان در هنر هستند و آنها هم به این حوزه وارد می‌شوند این است که مدام زیر سایه و اسم خانواده‌هایشان قرار می‌گیرند. فکر می‌کنید مهراوه شریفی‌نیا، آن استقلالی را که باید، پیدا کرده است و آیا شما در چینش بازیگران مهراوه یا ملیکا را در اولویت قرار می‌دهید؟

بازیگردانی من با مهراوه و ملیکا تمام شده است. تا وقتی بچه‌ها کوچک‌تر بودند، شاید مشورت‌هایی وجود داشت. اما خدا را شکر الان هردو بزرگ، عاقل و بالغ شده‌اند و می‌توانند برای خودشان تصمیم بگیرند و به اندازه کافی تجربه کسب کرده‌اند و مستقل هستند. مهراوه و ملیکا الان مشاور متقابل هستند. همان‌طور که ممکن است من به بچه‌ها مشاوره بدهم، آنها هم به من مشاوره می‌دهند. در سریال «کیمیا» هم همین‌طور بود و گاهی مهراوه به من مشورت‌های خوبی می‌داد.

به‌عنوان یک پیش‌کسوت بازی، مهراوه شریفی‌نیا توانسته توقع شما را در بازیگری پاسخ بدهد؟

همان‌طور که در مورد باران کوثری می‌توانم این را بگویم یا پگاه آهنگرانی یا ...، بچه‌هایی که مادر یا پدر آنها هنرمند هستند همه آنها حضورشان در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف و نوع ارائه نقش‌ها و بازی‌ها این قضیه را تأیید می‌کند که موفق بوده‌اند. مسئله من تأییدکردن یا نکردن نیست. به‌هرحال بازی مهراوه را همه مردم در سریال‌ها و فیلم‌های مختلف دیده‌اند و سریال «کیمیا» بازخوردهای بسیار خوبی از سمت مردم داشته و به نظر من مردم از بازی مهراوه بسیار استقبال کردند.

ارائه نقش مادر در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف برای شما حس‌وحال متفاوتی داشته است و «مهری» سریال «کیمیا» که طبعا برای شما به‌گونه‌ای دیگر بوده است. نکته‌ای در ارتباط با شخصیت‌پردازی نقش «مهری» بود که در فیلم‌نامه نباشد و شما به آن اضافه کرده باشید؟

در سریال به‌صورت مکتوب همه‌چیز خوب و قابل‌دفاع بود. نقش «مهری» از ابتدا نقش سخت و بسیار پرکیفیتی بود و به همین دلیل هم پذیرفتم که بازی کنم. هرچند که در ابتدا بازی در این نقش برایم سخت بود و به این دلیل که کمی خسته بودم، در ابتدا حاضر به پذیرش آن نبودم و بعد از بازگشت از سفری کوتاه و بعد از مطرح‌شدن پیشنهاد مجدد، بازی در این نقش را پذیرفتم. شخصیت‌پردازی این نقش برایم جذاب بود. یکی از کارهایی که برای این نقش انجام دادم، تولید فرهنگ لغت بود. به‌هرحال هر شخصیتی براساس فرهنگ و طبقه‌ای که به آن تعلق دارد، فرهنگ لغت مخصوص‌به‌خود را دارد و از نویسنده خواهش کردم فرهنگ لغت «مهری» را خودم طراحی کنم.

این فرهنگ لغت شامل چه‌چیزی می‌شد؟

به نحوه گویش «مهری» در سریال دقت کنید. او یک اصطلاحاتی دارد و از کلماتی استفاده می‌کند که با «ثریا»ی سریال «تا ثریا» متفاوت است. همان‌طور که به فرخنده «آوای فاخته» شبیه نیست یا باقی نقش‌ها. همان‌طور که فرهنگ لغت شما با همکارتان متفاوت است. این موضوع در شخصیت «مهری» نیز لحاظ شد.

پس با این شرایط مدت‌زمان زیادی را به تحلیل این نقش اختصاص دادید... .

بله، در هر مدیومی که کار می‌کنید، هر نقش یا شخصیتی، نیاز به پیش‌تولید شخصی دارد. ممکن است شما حال امروز یک نقش را به تصویر بکشید اما مهم است که گذشته این آدم را بدانید تا حال حاضر او را بازی کنید. این شخصیت نمی‌تواند گذشته نداشته باشد. اینها نقش را می‌سازد و ساختار نقش را شکل می‌دهد. به این دلیل است که وقتی بیننده با نقش روبه‌رو می‌شود پیش خودش می‌گوید این نقش چقدر واقعی است. شاید باور نکنید چقدر از سمت مردم پیغام داشتم، زمانی که قرار بود «مهری» را اعدام کنند می‌گفتند دعا می‌کنیم اعدام نشود. اینها برایم جذاب بود. این یعنی اینکه مردم شرایط «مهری» را باور کرده‌اند.

با توجه به صحبت‌های شما گویا از نتیجه سریال «کیمیا» راضی هستید؟

نتیجه کار را مردم به شما می‌گویند. مردم می‌گویند نتیجه زحمت و کار درست بوده یا غلط. با توجه به نظرات مردم سریال موفقی بوده است و استقبال از آن زیاد است.

حس خودتان چیست؟

وقتی کار خودم را می‌بینم، با حساسیت خیلی بالا تماشا می‌کنم و درواقع بیشتر از انعکاس ماجرا و نظرات مردم نتیجه می‌گیرم حاصل کار خوب بوده یا نه. قضاوت برای خودم سخت است. فکر می‌کنم قاضی مناسبی برای خودم نیستم.

دریچه

نامه رئیس انجمن عکاسان سینما

شرق: علی نیک‌رفتار، ریاست شورای مرکزی انجمن عکاسان سینمای ایران در نامه‌های جداگانه‌ای از: معاونت اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی؛ مدیر کل سینمای حرفه‌ای؛ ریاست شورای مرکزی انجمن مدیران تولید سینمای ایران؛ ریاست انجمن صنفی برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان سینمای تهران به پاس حمایت و پشتیبانی و صیانت از امنیت شغلی عکاسان سینمای ایران تشکر و قدردانی نمود.

متن این پیام به این شرح است: شورای مرکزی انجمن عکاسان سینمای ایران در پی تشکیل کمیته امنیت شغلی و به‌دنبال فعالیت‌های این کمیته در جهت حفظ جایگاه و شأن عکاسان سینمای ایران و ایجاد بستر مناسب در جهت فراهم‌نمودن امنیت شغلی اعضای خود طی نشست‌ها و جلسات متعدد با مدیران، مسئولان، تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران سینمایی و گفت‌وگو و لزوم رعایت امنیت شغلی عکاسان حرفه‌ای سینما که علاوه بر تهیه آثار عکاسی از صحنه فیلم‌های سینمایی در جهت تبلیغات فیلم‌ها

که از وظایف اصلی ایشان می‌باشد با ثبت لحظاتی از تاریخ سینما و تهیه تصاویری منحصربه‌فرد از صحنه و پشت صحنه و خلق عکس‌های مستند که می‌تواند دربرگیرنده شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی سینمای ایران باشد و پژوهشگران و محققان از این طریق می‌توانند تاریخ سینمای ایران را با استفاده از همین تصاویر مکتوب نمایند. عکاسانی که با سال‌ها تجربه و کسب علم و دانش و فعالیت در این رشته توانسته‌اند رسالت و وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند. به این وسیله انجمن عکاسان سینمای ایران مراتب تشکر و قدردانی خود را به پاس حمایت‌ها، پشتیبانی، همراهی و همدلی آقایان: حبیب ایل‌بیگی، معاونت محترم اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، محمدرضا فرجی مدیر کل محترم سینمای حرفه‌ای سازمان سینمایی، یونس صباحی ریاست محترم شورای مرکزی انجمن مدیران تولید سینمای ایران و همکاران و اعضای محترم صنف. مصطفی احمدی ریاست انجمن صنفی برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان سینمای تهران و اعضای محترم صنف تهیه‌کنندگان محترم و سایر مسئولان سینمایی و همکاران ایشان، که طی نشست‌ها و مکاتبات گوناگون همواره با حمایت‌های خود در جهت رعایت امنیت شغلی عکاسان سینما با ایجاد فضائی امن و ایجاد انگیزه، با به‌کارگیری ایشان و جلوگیری از فعالیت عکاسان غیر صنف در این راه انجمن عکاسان سینما را همراهی نمودند، اعلام می‌داریم. با آرزوی ایجاد فضایی امن همراه با آرامش برای تمامی اعضای صنوف سینمایی.

جعبه جادو

سیما نیازمند «گفتمان»

عباس نعمتی

این روزها رفتن «محمودرضا تخشید» از مرکز امور نمایش سیما و «احسانی» از مدیریت شبکه یک، حرف‌وحدیث‌های فراوانی را ایجاد و توجه‌ها را به خود جلب کرده است. عموم سؤال‌ها حول این سه محور می‌گردد:

۱- چرا رفتند؟

۲- با آمدن جایگزین‌ها چه اتفاقی می‌افتد؟

۳- تفاوت نظرات معاون سیما و رئیس سازمان واقعیت دارد؟ در چه حد است و...

هرچند ازدست‌دادن یک مدیر خلاق و هوشمند امر مهمی است اما از آن مهم‌تر تغییرات سیستمی، مسائل ساختاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌های یک سازمان است که در آن نقشه جامع، بزرگ‌تر و جایگاه و نقش نیروی انسانی هم مشخص می‌شود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش پیش‌روی سازمان صداوسیما ایجاد یک «گفتمان روشن، فراگیر، علمی و اقناع‌کننده» در سطح جامعه است. البته این مشکل، مشکل یکی، دوساله اخیر و مدیریت اخیر نیست و در یک سال هم نمی‌توان توقع داشت رسانه‌ای فربه و با نیروی انسانی فراوان و شبکه‌های متعدد بتواند در تمام ساختارها و برنامه‌ها تغییرات اساسی‌ای ایجاد کند اما توقع است نشانه‌ها و جوانه‌های آن در عرصه‌های مختلف رسانه، در شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی، در خبر و در روزنامه جام‌جم کم‌کم به ثمر بنشیند.

ایجاد هر گفتمان نیازمند «تحلیل» است. تحلیل و شناخت درست از:

۱) وضعیت اجتماعی و مختصات مخاطب. تا وضعیت روحی، روانی مخاطب، نگرانی‌ها، مخاطرات، آرزوها و ارزش‌ها و نگرش‌های مخاطب درست و دقیق و علمی شناخته نشوند، رسانه از کجا می‌تواند تشخیص دهد، این مخاطب طالب چه غذایی است و چه نیازی دارد؟ همین‌طور، تا رسانه مسائل، مشکلات، آسیب‌های اجتماعی و ریشه‌ها و علت‌های آن را به‌درستی نشناسد و تحلیل جامعی از وضعیت سرمایه اجتماعی نداشته باشد، از کجا می‌تواند اولویت‌های خود را طراحی کند؟ یکی از دوستانی که برای یکی از شبکه‌های کشور آلمان کار می‌کرد می‌گفت از آنجا که این شبکه برنامه‌های سال ۲۰۱۸ خود را طراحی می‌کند، در برگه توجیهی ضرورت برنامه، باید توضیح داده شود، این برنامه پاسخ‌گوی چه نیازی در سه‌سال بعد جامعه است! این یعنی باید تحلیلی از وضعیت سه سال بعد وجود داشته باشد و نسبت برنامه با آن زمانه و اجتماع توضیح داده شود.

۲) شناخت و درک صحیح از رسانه و چالش‌های پیش‌رو. امروز در جهان میزان مصرف اینترنت روزانه ۴/۵ ساعت است. تأثیر اینترنت بر زندگی، اجتماع و حتی مغز انسان و به‌تبع آن تغییر نگرش و رفتار انسان، امروز موضوع تحقیقات مختلفی در جهان بوده است. عکس تصور رایج که فکر می‌کنند استفاده از تلویزیون در عصر اینترنت کم شده، تحقیقات نشان می‌دهد، میزان استفاده از تلویزیون در جهان در ۱۰ سال گذشته بیشتر شده است. تحلیل روشن از آینده تلویزیون، رادیو و مطبوعات در جهان جدید، ضرورت هر نوع برنامه‌ریزی برای هر رسانه‌ای است. مثلا تلویزیون‌های نسل جدید تلاش کرده‌اند با امکان رؤیت هم‌زمان دو یا چند شبکه به علاقه‌ای که توسط اینترنت در مخاطب شکل گرفته و مشتاق است هم‌زمان چند صفحه باز کند و هم‌زمان در چند فضا حضور داشته باشد را پاسخ دهند. وقتی ابزار خودش را روزآمد کرده، رسانه هم باید خود را در فضای جدید بازتعریف کند.

۳) پیام. بسیاری از مفاهیمی که رسانه می‌خواهد منتقل کند، روشن، مشخص و دقیق تعریف نشده‌اند و عناصر مختلف سازمان یک معنا را از آن استنباط نمی‌کنند. به‌همین‌دلیل هرکس از ظن خود یار آن می‌شود و نهایتا ماحصل جز آشوبی ذهنی که نتیجه ابهام‌های زبانی و اشتراکات لفظی است، نخواهد بود. مثلا از زمانی که رهبر انقلاب بحث سبک زندگی را مطرح کرد، عموما سبک زندگی را همان لایف‌استایل ترجمه کردند و راه افتادند که سبک زندگی شاخصه‌هایش چیست؟ و... درحالی‌که ایشان در سبک زندگی، ابتدا مابین توسعه و پیشرفت تمایز قائل می‌شوند و سپس سبک زندگی را «پیشرفت در عرصه نرم‌افزاری و اخلاق اجتماعی» عنوان می‌دارند. حال از این دو تعریف سبک زندگی که یکی ذیل پیشرفت و نگاه به افق پیش‌روست و دیگری لایف‌استایل و میراث سنتی و نگاه به پشت‌سر، دو میوه و برنامه درخواهد آمد.

رسانه پس از تحلیل این سه مؤلفه، تازه می‌تواند تحلیلی روشن از فضا داشته باشد و تازه برنامه‌ای منسجم طراحی و از آن گفتمانی روشن، فراگیر، علمی و اقناع‌کننده ایجاد کند.

اگر هدف این باشد و رسانه به این مسئله قائل شود در آن صورت درک می‌کند برای این نقشه بزرگ نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت تمام نخبگان جامعه و سلایق مختلف است. در این صورت حذف هر یک نفر مدیر، کارشناس، هنرمند و مخاطب خسرانی بزرگ است و تلاش می‌شود همه دور این سفره به‌صورت فعال حضور داشته باشند و نقش‌آفرینی کنند. این هم راهی ندارد جز تحمل، سعه‌صدر، مهربانی و گفت‌وگو. تا از دل این گفت‌وگوها هم‌زبانی و نهایتا همدلی شکل بگیرد.

کسی دقیقا نمی‌داند میزان اختلاف رأی معاونت سیما و ریاست سازمان در چه حدی است؛ وجود دارد، ندارد یا شایعه است. میزانی از آن بدیهی و ناشی از طبیعت دو انسان است. حتی اگر اختلافات در حد طبیعی باشد و اگر به شایعات پاسخ داده نشود، شایعات فراوان می‌شود و خود این شایعات کار خواهند کرد و اثر بیرونی از خود به‌جا خواهند گذاشت. این گفت‌وگو و همدلی در سطوح مختلف رسانه (مدیران ارشد و میانی. مدیران و کارشناسان و مدیران و هنرمندان) مقدمه‌ای است تا رسانه بتواند در سطح جامعه که در آن آستانه تحمل پایین آمده است، آرامش، مهربانی، گفت‌وگو، هم‌زبانی و نهایتا همدلی را توسعه و تعمیق بخشد.